

لَهُمْ لِنَفْسٍ كُلُّ مُنْفَعٍ
لِنَفْسٍ كُلُّ ضَرٍّ
لِنَفْسٍ كُلُّ حَيَاةٍ
لِنَفْسٍ كُلُّ مَوْتٍ

عنوان مقاله: فرهنگ شهید و شهادت در قرآن

*طاهره بهبهانی

چکیده :

شهادت در فرهنگ اسلامی دو معنای متفاوت است : معنای خاص و دیگری معنای عام و گسترده؛ معنای خاص شهادت همان کشته شدن در راه خدا در میدان جهاد است که احکام خاصی در فقه اسلامی دارد، از جمله عدم نیاز به غسل و کفن و تدفین آنان با لباس خونین خود.

«شهادت» نه تنها برای کسانی که توفیق آن را می‌یابند، «رستگاری بزرگ» محسوب می‌شود؛ بلکه در بعد اجتماعی آن باعث حفظ و بقای موجودیت نظام اسلامی و ارزش‌های دینی می‌شود. با گسترش «فرهنگ شهادت» و روحیه‌ی «شهادت طلبی» در جامعه و ترویج آن در بین عامه‌ی مردم به خصوص نسل جوان می‌توان به نتایج بزرگی در تثبیت و تقویت پایه‌های دینی و مبانی اعتقادی و اسلامی رسید.

قرآن کریم در ده مورد به طور صریح به مسئله «شهید و شهادت» پرداخته و به مواردی چون حیات شهیدان، برخورداری آنان از فضل و رحمت و مغفرت الهی و نعمت‌های مادی و معنوی، آمرزش گناهان شهید، رزق نیکو برای شهیدان، دخول در بهشت و اشاره کرده است.

در روایات نیز که «شهادت» معنای وسیعی داشته و حتی غیر کشته شدگان در راه خدا را نیز شامل می‌شود، به فضیلت و ارزشمندی «شهید و شهادت» و جایگاه و منزلت آنان اشاره شده است و از شهادت به عنوان بالاترین نیکی‌ها، و شرافتمدانه ترین مرگ‌ها یاد شده است.

شهادت در راه خدا همواره یکی از آرمان‌ها و آرزوهای ائمه‌ی معصومین (علیه السلام) و اصحاب خاص آنان بوده است که در موقع مختلف، ارزوی توفیق و دستیابی به این «فوز عظیم» و سعادت را داشته‌اند و آن در قالب دعا و نیایش مطرح کرده‌اند.

کلید واژه : شهید - شهادت - فرهنگ شهادت - فی سبیل الله - شهادت طلبی

مقدمه :

در اسلام و لسان قرآن و اهل بیت موصومین (ع) ، شهادت گزینش مرگ سرخ متکی بر شناخت و آگاهی بر مبنای آزادی و اختیار در مبارزه علیه موانع تکامل و انحرافات فکری است که مجاهد با منطق و شعور و بیداری انتخاب می کند و روحیات یک ملت و تاریخ را تضمین می نماید .

شهادت مکتب سازنده ای است که شگرف ترین اثرات و خلل ناپذیرترین واکنش های نسل های بهم پیچیده تاریخ را دارد . در حقیقت ، شهادت خون دوباره ای است که بر کالبد نیمه جان جامعه وارد می گردد ، خون این عنصر خلیفه الهی در نظام اجتماعی به عنوان گویاترین و مؤثرترین عامل تبلیغ صدق و صفا ، حق و حقیقت آگاهی و سازنده‌گی خواهد بود .

شهیدان جان خود را فدا کردند، جان بر کف نهادند، اما دینشان را از دست ندادند، تنها هدف آن ها، اطاعت از ندای حق و احیای دین الهی بود .

زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهیدان – بر فرموده‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی – کمتر از شهادت نیست ، چرا که راه و رسم شهادت ، راه عزت و نجات از اسارت ، نفس و استکبار نیست . و ما از قافله عقب مانده ایم و مهجور از عِندَ رَبِّهِمْ يَرْزَقُونَ ، بدین وسیله ادای دین می کنیم .

سؤال شهیدان از ما ، شما چه کردید ؟

راستی ما چه کردیم ؟ با شهیدان چقدر آشنا شدیم ؟ راهشان را چقدر شناختیم ؟

چطور می توانیم بدون این شناخت ، در پیچ و خم های زندگی ، در پست و مقام ، در چرب و شیرین پول و دنیا، پشت ماشین در عزاداری و در شادمانی در آسانی و سختی ها یعنی در همه حال و در همه جا، یادواره آنان را زنده نگهداریم ؟

شهیدان کاری حسینی کردند ، یعنی آن چه باید می کردند، اما، ما چه کردیم ؟

برای پاسخ دادن، امروز هم دیر است، چه برسد به فردا ، فردایی که معلوم نیست فرصت و توفیق آن را داشته باشیم .

شهید و شهادت در لغت :

کلمات شهید و شهادت از مشتقات «شهد» است . در کتاب های لغوی پیرامون این ماده آمده است :

شَهِدَ يَشَهُدُ شَهَادَةً به معنای خبر قاطع دادن و ب眚یت به چیزی است گفته شده شَهِدَ لِفَلَانٍ عَلَى زِيدٍ
بکذا : به نفع و بر ضرر زیر شهادت داد . شَهِدَ بالله : به خدا سوگند خورد . شَهِدَا شَيْءٌ : آن چیز را دید . استشَهِدُ
یَسْتَشَهِدُ استشَهَادًا . در راه خدا جنبازی کرد و خود را در معرض شهادت قرار داد . (انیس، ۱۳۸۹، ج اول ، ص
۱۰۶۰) کلمه شهید به معنای شاهد «گواه» و حاضر است و یکی از نام های الهی می باشد که به معنای کسی
است که در شهادتش امین می باشد و جمع این کلمه «شهداء» می باشد . (ابن منظور ، ج ۳ ، ص ۲۳۸) و
همچنین در قرآن آمده است . «وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَيَّنُتْ مِنْهُمْ كَاتِبٌ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ» (بقره ۲۸۲) و هرگاه داد و ستد
کردید گواه بگیرید و هیچ نویسنده و گواهی نباید زیان ببیند .

شهید یکی از نام های الهی است که در بسیاری از آیات قرآن به کار رفته است .

«إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (حج ۱۷)

البته خدا روز قیامت میانشان داوری خواهد کرد ، زیرا خدا بر هر چیزی گواه است .

raghib asfahani معنای دیگری برای شهید قائل است . او معتقد است که شهید کسی است که در حال نزع
است و نامیدن او به شهید برای حضور فرشتگان بر بالین اوست که اشاره ای به آیه : «تَنَزَّلَ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا
تَخَافُوا» (فصلت ۳۰) ، فرشتگان به هنگام شهادت بر آن ها فرود آیند و به آن ها می گویند نترسید و
اندوه بار نباشید که بهشت مژده‌گانی شما است . (raghib asfahani، ۱۳۷۴، ج ۲ ، ص ۳۵۶)

شهادت کشته شدن در راه خدا ، وجه تسمیه چنین قتلی به شهادت یا بدین جهت است که ملائکه
رحمت بدین صحنه حضور یابند و بر این وجه شهید به معنی مشهود است و یا بدین سبب که خدا و فرشتگانش
به دخول شهید به بهشت گواهی دهند و یا بدین لحظه که شهید به همراه انبیاء در قیامت بر دیگر امم گواهی
دهند و یا چون شهید زنده و حاضر است به موجب «احیاء عند ربهم یرزقون» و یا به این جهت که وی به
شهادت حق قیام نموده تا کشته شد . (حسینی دشتی، ۱۳۷۹ ، ج ۶ ، ص ۵۷۴)

شهید و شهادت در اصطلاح :

کلمات «شهید و شهادت» مانند بسیاری دیگر از کلمات که دارای معانی و مفاهیم شرعی و دینی هستند . به مرور زمان و تحت شرایط خاص از معانی لغوی به معنای جدید و اصطلاحی تغییر معنا داده اند ؛ ولی در عین حال ارتباط و پیوستگی میان معانی اصطلاحی و لغوی وجود دارد . در زمان صدر اسلام که مصادف با جنگ های مسلمانان با کفار بود و باعث به شهادت زسیدن تعداد بسیاری از مسلمانان شد ، کلمات «شهید و شهادت» در معنای جدید و اصطلاحی «کشته شدن در راه خدا» در میان مردم شایع شد و پیامبر اکرم (ص) نیز این واژه ها را برای آن ها به کار برد تا جایی که امروزه از شنیدن این کلمات ذهن انسان به همین معنای جدید متبدار می شود .

شهید در اصطلاح به کسی گفته می شود که در راه خدا کشته شود (ابن منظور، ج ۳، ص ۲۴۲)

شهید کسی است که در رکاب پیامبر اکرم (ص) یا امام معصوم (ع) یا در جهاد جایزی کشته شود (طریقی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۵۵۳)

امام خمینی (ره) نیز در تحریرالوسیله «شهید» را چنین معرفی می کند :

الشهیدُ و هو المقتولُ فِي الْجَهَادِ مَعَ الْإِمَامِ (ع) أَوْ نَائِبِهِ الْخَاصِّ ، بِشَرْطِ خَرْجِ رُوحِهِ فِي الْمَعرَكَةِ حِينَ اشْعَالِ الْحَرْبِ أَوْ فِي غَيْرِهَا قَبْلَ ادْرَاكِهِ الْمُسْلِمُونَ حَيَاً

شهید کسی است که در رکاب امام (ع) و یا نائب خاص آن حضرت به جهاد رفته و کشته شده باشد، به شرطی که در معرکه جنگ و در حالی که جنگ برپاست جان سپرده باشد یا در خارج از معرکه جنگ قبل از آن که مسلمانان او را زنده یافته باشند (Хمینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۶۶)

تعريف فرهنگ :

ادوارد تایلر بنیانگذار علم مردم شناسی در فرهنگ چنین می گوید :

« فرهنگ مجموعه‌ی پیچیده‌ای است که شامل معارف ، معتقدات ، هنرها ، صنایع ، فتوون ، اخلاق ، قوانین ، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد . »

«سَيَهْدِيهِمْ وَ يُصلِحُ بَالْهُمْ»

بلکه بزودی آنان را به سوی پاداش پرشکوه و بهشت پرطراوت و زیبایی خود راه خواهد نمود.

ضمیر جمع به «الذينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللهِ» برمی گردد ، در نتیجه آیه شریفه و آیه بعدش در مقام بیان حال شهداء بعد از شهادتشان می باشد که می فرماید : به زودی خدای تعالی ایشان را به سوی منازل سعادت و کرامت هدایت نموده ، با مغفرت و عفو از گناهانشان ، حالشان را اصلاح می کند و شایسته دخول در بهشت می شوند .

و وقتی این آیه را با آیه «وَلَا تُحَسِّنَ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْياءً عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»(آل عمران ، ۱۶۹) ضمیمه کنیم معلوم می شود مراد از اصلاح بال کشته شدگان راه خدا ، زنده کردن ایشان است به حیاتی طیب که شایسته شان کند برای حضور در نزد پروردگارشان ، حیاتی که با کنار رفتن پرده ها حاصل می شود . (طباطبایی ، ۱۳۸۸ ، ج ۱۸ ، ص ۳۴۲)

بنابراین هدایت الهی ، دائمی است و حتی پس از مرگ و شهادت نیز ادامه دارد و شهادت در راه خدا ، همه‌ی نابسامانی های انسان را جبران می کند ؛ لغزش ها بخشیده و عیب ها نادیده گرفته می شود و مدیریت کارهای شهید را ذات مقدس خداوند بر عهده دارد . (قرائتی، ۱۳۸۹، ج ۹ ، ص ۶۶)

«وَ يُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ»

و در بهشتی که برای آنان توصیف کرده ، وارد می سازد .

این جمله منتهی الیه هدایت ایشان است و جمله «عَرَفَهَا لَهُمْ» «حال از «يُدْخِلُهُمْ» » است یعنی به زودی ایشان را داخل بهشت می کند در حالی که بهشت را یا در دنیا و به وسیله وحی انبیاء و یا بوسیله بشارت در هنگام قبض روح ، یا در قبر ، و یا در قیامت، و یا در همه این موافق به ایشان شناسانده باشد . (طباطبایی ، ۱۳۸۸ ، ج ۱۸ ، ص ۳۴۳)

واژه «عِرْفَ» از «عِرْفَ» به مفهوم «عطر» و بوی خوش آمده که در این صورت منظور این است که : و خدا آنان را به بهشتی در می آورد که کران تا کران عطرآگین و خوشبو است . (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۱۳ ، ص ۵۸۰)

بنابراین تشویق ها و پاداش های بزرگ ، بهترین وسیله برای ایجاد انگیزه در کارهای سخت است و شناخت قبلی از پاداش ، لذت و شوق انسان را به هنگام دریافت آن بیش تر می کند .

۱۰- ایمان آورندگان به خدا و رسول در زمرة شهیدان

«وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّدِيقُونَ وَالشَّهِداءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ» (حدید ۱۹)

و کسانی که به خدا و پیامبران وی ایمان آورده اند ، آنان همان راستینانند و پیش پروردگارشان گواه خواهند بود و ایشان راست اجر و نورشان ، و کسانی که کفر ورزیده و آیات ما را تکذیب کرده اند آنان همدمان آتشند .

مراد از ایمان به خدا و پیامبران خدا ایمان خالص است که طبیعتاً جدای از اطاعت و پیروی نیست ، و مراد از «أُولَئِكَ هُمُ الصَّدِيقُونَ وَالشَّهِداءُ» این است که مؤمنین را به صدیقین و شهدا ملحق سازد و بفرماید : اینان نیز به آنان می پیونددند و «لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ» یعنی اینان نیز اجر و نور آنان را دارند ، پس معلوم می شود هر چند در ظاهر آیه مؤمنین را صدیق و شهید خواند ، ولی به قرینه دو جمله‌ی مذکور می فهمیم که منظور این است که ملحق به صدیقان و شهدا هستند و با ایشان معامله آنان را می کنند و نور و اجری که به آنان می دهند به اینان نیز می دهند .

مراد از صدیقین کسانی هستند که ملکه صدق در گفتار و کردارش سرایت کرده ، در نتیجه آن چه می گویند انجام هم می دهند و آنچه می کنند می گویند و شهدا عبارتند از کسانی که گواهان اعمال مردم در روز قیامتند ، نه کشته شدگان در راه خدا .

در نتیجه می فهمیم کسانی که ایمان به خدا و رسولان خدا دارند به صدیقان و شهدا می پیونددند و نزد خدا منزلتی چون منزلت آنان به ایشان می دهند ، و به حکم خدا (نه این که خودشان از نظر مقام با آنان برابر باشند ، بلکه به حکم خدا) پاداش و نوری نظیر پاداش و نر آنان خواهند داشت . (طباطبایی ، ۱۳۸۸ ، ج ۱۹ ، ص ۲۸۶)

چه بسا گفته باشند که: آیه شریفه می خواهد این معنا را بیان کند که مؤمنین، همان صدیقین و شهدای حقیقی هستند ، نه این که ملحق به آنان باشند و معامله آنان را با ایشان بکنند ، پس مؤمنین ، خود صدیقین و شهداشند ، واجر و نور خودشان را دارند .

و بعضی دیگر گفته اند : کلمه شهدا عطف بر کلمه «صدیقون» نیست ، بلکه مبتدایی است که یم خبرش جمله «عندالله» و خبر دیگرش «لهم اجرهم» است ، پس در جمله «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ

الصَّدِيقُونَ » مطلب تمام می شود و مطلبی از نو از کلمه «شهداء» آغاز کرده می فرماید : « وَ الشَّهَادَةُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرٌ هُمْ وَ نُورٌ هُمْ شَهِيدًا نَزَدَ بِرُورِدَگارشان هستند.....» (بغدادی، ۱۴۲۰ ، ج ۱۳ ، ص ۲۸۵)

در این آیه شریقه اضافع «رب» به ضمیر هم اضافه تشریفی و بیانگر توجه خاص و عنایت ویژه خداوند به صدیقان و شهدا است و همچنین تقدیم «لهم» بر «اجرهم» افاده حصر می کند ، یعنی پاداش آنان (صدیقان و شهدا) ، تنها از آن ایشان است و به کسی دیگر داده نمی شود . (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ ، ج ۱۸ ، ص ۳۸۰)

آیات دیگر نیز هست که به طور صریح واژه «قتل فی سبیل الله» و مشتقات آن به کار نرفته است و یا از مشتقات واژه ای که دلالت صریح بر معنای «شهید و شهادت» داشته باشد در آن به کار نرفته ولی در عین حال مفهوم و محتوای آن بی ارتباط با مسئله «شهید و شهادت» نمی باشد و از آن جایی که این آیات در بعضی تفاسیر و معجم های موضوعی قرآن جزء آیات شهادت در معنای اصطلاحی (کشته شدن در راه خدا) ذکر شده است . همانند آیه ۲۲ سوره احزاب ، آیه ۱۴۰ سوره آل عمران ، آیه ۵۲ سوره توبه ، آیه ۶۹ سوره زمر ، آرزوی شهادت در ادعیه و زیارات .

ائمه معصومین (علیهم السلام) در بسیاری از موارد در قالب دعا و زیارت آرزوی خود به شهادت را مطرح کرده اند و توفیق دستیابی به آن را از خداوند متعال مسئلت نموده اند .

از جمله این ادعیه ، دعاهای ماه مبارک رمضان است که در بسیاری از آن ها ائمه (علیهم السلام) درخواست شهادت از درگاه خداوند را مطرح کرده اند . در تمامی صحنه های مناجات این ماه می بینیم که ائمه (علیهم السلام) در ضمن دعاهای خود از خداوند خواسته اند تا زندگی آنان را به سعادت و شهادت ختم کند . شاید یکی از دلایل اصلی تأکید بر چنین امری وجود شب قدر در ماه رمضان باشد و از آن جا که سرنوشت و کتاب حیات و ممات انسان ها در این شب رقم می خورد ، استجابت دعا و حتمی شدن خواسته ها و حاجات در این ماه بیش تر از سایر ماه ها و شب هاست . لذا در صورتی که دعای انسان در این ماه و به خصوص در شب قدر مورد اجابت قرار گیرد این امید در انسان تقویت می یابد که مرگ وی شهادت در راه خدا باشد .

با توجه به گفتار ائمه ای معصومین (علیهم السلام) پیرامون فضل و ارزش شهادت و همچنین جایگاه شهیدان نزد خداوند و عملکرد خود معصومین (علیهم السلام) پیرامون شهادت طلبی ، اصلاح و یارانان بزرگواران نیز همواره به دنبال کسب شهادت بودند و همیشه یکی از مهم ترین آرزو های آنان نائل شده به فوز عظیم شهادت بوده است .

نتیجه گیری :

با گسترش «فرهنگ شهادت» و روحیه‌ی «شهادت طلبی» در جتمعه و ترویج آن در بین عامه‌ی مردم به خصوص نسل جوان به نتایج بزرگی در تثبیت و تقویت پایه‌های دینی و مبانی اعتقادی و اسلامی رسید. در فرهنگ بشری همیشه انسان‌های فدکار مورد احترام بوده اند حتی کسانی که شهادت از خودگذشگی ندارند در برابر عظمت انسان‌های از جان گذشته خضوع می‌کنند و زبان به تحسین آن‌ها می‌گشایند در فرهنگ دینی ایثار و شهادت علاوه بر نیک‌نامی دارای ارزش معنوی و روحانی است انسان فدکار از علاقه خویش در راه هدف‌های متعالی می‌گذرد تا به رضایت حضرت حق دست یابد و حقیقت و ماهیت ایثار در آیات قرآن کریم و احادیث خود را به خوبی نشان می‌دهد عصاره فرهنگ ایثار و شهادت از خودگذشتگی و اخلاص و آزادمنشی است ترویج و اشاعه فرهنگ ایثار و شهادت نقش بسزایی در سازندگی جامعه در ابعاد مختلف دارد که با ترویج آن و حفظ و صیانت از آن می‌توان روز به روز شاهد تأثیرات مثبت آن بود که توجه به برخی از آسیب‌های ناشی از آن بسیار ضروری است.

«شهادت» دریچه وصال محبوب و نزدیک ترین راه برای ملاقات با خداوند بزرگ است. از این رو شهادت بزرگ ترین آرمان و آرزوی اولیای الهی و مرادان خدا بوده است.

از آن جا که شهید برای خدا و در راه خدا، هستی خود را برای نجات و سعادت جامعه فدا می‌نماید، هر چند پاداش اصلی خود را از خداوند دریافت می‌کند، اما بنا بر حکم عقل، ججامعه نیز به لحاظ حقی که شهید بر گردن آنان دارد مدیون شهید است و باید با تمام وجود دین خود را در قبال شهداء ایفا نماید. زنده نگه داشتن یاد و نام شهید و بزرگ است و زمان و مکان شهادت و مدفن و الگو سازی از شخصیت و سیره‌ی زندگی و حماسه ایثار گرانه شهید، بخشی از وظایف جامعه نسبت به شهید می‌باشد. فایده انجام این نوع وظایف عمده‌ای به خود مردم باز می‌گردد و در حقیقت این ما هستیم که نیازمند شهدا هستیم نه آن که شهدا نیازمند بزرگداشت ما باشند. اجر و مقامی که شهدا نزد پروردگارشان دارند با بزرگداشت مردم از آنان کم یا زیاد نمی‌شود. بزرگداشت یا تکریم شهید در جامعه یعنی بزرگداشت یا تکریم فرهنگ شهادت و تمام نیکی‌ها و ترویج روحیه ایثارگری و فدکاری برای ارزش‌ها و دفاع از جامعه و سرمایه اسلامی است. فرهنگ و روحیه‌ای که قوام بقاء جامعه و نظام و سرمایه اسلامی، همواره نیازمند به آن می‌باشد.

منابع

*قرآن کریم

- ۱) ابن منظور، محمدبن مکرم ، لسان العرب ، بیروت ، دارالفکر للطباعه والنشر و التوزيع-دار صادر
- ۲) انیس، ابراهیم ، معجم الوسيط ، محمد بندر ریگی ، قم ، انتشارات اسلامی ، چاپ سوم ، ۱۳۸۹ ه ش .
- ۳) بغدادی ، شهاب الدین ، روح المعانی ، بیروت ، انتشارات دار حیاء ، ۱۴۲۰ ه ق .
- ۴) حسینی دشتی ، سید مصطفی ، معارف و معاریف ، تهران ، موسسه فرهنگی آرایه ، ۱۳۷۹ ه ش .
- ۵) خمینی ، روح الله ، تحریرالوسيله، قم ، انتشارات دارالعلم ، چاپ اول ، ۱۳۸۶ ه ش .
- ۶) راغب اصفهانی ، حسین ، مفردات الفاظ قران ، سید غلامرضا خسروی حسینی ، تهران ، انتشارات رضوی – ۱۳۷۴ ه ش .
- ۷) سیوطی ، جلال الدین ، درالمنتور، بیروت ، انتشارات دارالحیاء .
- ۸) طباطبایی، سید محمد حسین ، تفسیر المیزان ، سید محمد باقر موسوی همدانی(ره) ، قم ، دفتر انتشارات اسلامی ، چاپ بیست و هشت ، ۱۳۸۸ ه ش .
- ۹) طبرسی ، فضل بن حسن ، ترجمه مجمع البیان ، علی کرمی ، تهران ، وزارت فرهنگ و ارشاد، چاپ اول ، ۱۳۸۰ ه ش .
- ۱۰) طبرسی ، فضل بن حسن ، جوامع الجامع ، تهران ، انتشارات دانشگاه ، ۱۳۷۷ ه ش .
- ۱۱) طریقی ، فخر الدین ، مجمع البحرين ، سید احمد حسینی ، قم ، انتشارات مکتب البعثه ، چاپ سوم ۱۳۶۷، ه ش .
- ۱۲) فیض کاشانی ، محمد محسن، تفسیر صافی ، عبدالکریم عقیقی بخشایشی ، قم ، انتشارات نوید اسلام ، چاپ چهارم ، ۱۳۸۷ ه ش .
- ۱۳) قرائتی ، محسن ، تفسیر نور ، تهران ، سازمان چاپ و انتشارات ، چاپ پنجم ، ۱۳۸۹ ه ش .
- ۱۴) هاشمی رفسنجانی ، اکبر، تفسیر راهنمای ، قم ، بوستان کتاب ، چاپ دوم ، ۱۳۸۶ ه ش .
- ۱۵) مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر نمونه ، تهران ، دارالمکتب الاسلامیه ، چاپ سی و هفت ، ۱۳۸۶ ه ش .